

روى نقد خصوصى سازى

بررسی نشریات دانشجویی در هفته سوم زمستان



محمد رضا حیاتی
روزنامه‌نگار

فصل امتحانات است و جمع زیادی از دانشجویان «غرق» در جزوه خوانی و آماده سازی برای «پاس» کردن یک به یک درس های خود هستند. فعالیت های

دانشجویی به حداقل ترین وضعیت خود رسیده و نشریات دانشجویی نیز همراه با دیگر فعالیت ها جایی روی کیوسک دانشگاه ندارند. در این شماره به دلیل بازه امتحانات، تنها یک صفحه به نشریه خوانی اختصاص داده ایم. از نکات قابل توجه محتوای محدود نشریات منتشرشده این روزها، نقد مساله خصوصی سازی در سیاست های اقتصادی و دانشگاهی بوده که به دو مورد اشاره شده است. فعالان نشریات دانشجویی می توانند با ارسال فایل نشریات خود به آدرس @mhayati مطالب برتر خود را در این صفحه بخوانند.

خصوصی سازی بر قله پیشرفت؟

شماره جدید نشریه دانشجویی «داد»؛ نشریه مستقل دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در مطلبی با عنوان «خصوصی سازی بر قله پیشرفت؟»، پیرامون مساله خصوصی سازی در ایران و جهان نوشته است: «موفقیت در جوامع اقتصادی تعابیر متفاوتی دارد، این تعابیر ممکن است رسیدن به تولید مطلوب، دستیابی به کالای

با کیفیت یا جذب متعدد باشد اما عاملی که در تمامی این جوامع مشترک است، رسیدن به سودی مطلوب است، در این راستا عوامل متعددی روی رشد و توسعه یا زیان و خسارت آن نقش دارند. ازجمله این عوامل می توان به نهاد حمایت کننده و تامین کننده مالی اشاره کرد. در جوامع اقتصادی این موضوع که نهاد حمایتگر مالی متعهد و قابل اطمینان باشد بسیار حائز اهمیت است. در دهه های اخیر دولت ها نقش پررنگی را در جامعه اقتصاد ایفا می کردند و حامیان اصلی نهادهای اقتصادی به شمار می رفتند که به تبع آن بخش های خصوصی نقشی کم رنگ تر را در اقتصاد دارا بودند. با گسترش اقتصاد نوین این نگاه که دولت تمامی جوانب یک نهاد اقتصادی را عهده دار باشد، تغییر یافت و بخش های خصوصی فرصت را غنیمت شمردند تا توسعه یابند و در رقابت با بخش دولتی قرار بگیرند. خصوصی سازی یک سیاست اقتصادی جهت تعادل بخشیدن میان دولت و بازار است که البته بیشتر به نفع بازار است و در مجموع شامل اقداماتی است که در قالب آن سطوح مختلف نظارت، مالکیت و مدیریت از عهده بخش دولتی خارج و تحت نظر بخش خصوصی در می آید. به کارگیری سیاست خصوصی سازی دلایل متعددی را شامل می شود که ازجمله آنها می توان به فشار مالی بر بخش دولتی و عملکرد ضعیف این بخش اشاره کرد. فشار مالی در نتیجه افزایش بدهی های پیش بینی نشده دولت ایجاد می شود و هنگامی که بخش دولتی نتواند بودجه کافی را به بنگاهی اختصاص دهد، مالکان آن درصد خصوصی سازی این بخش بر می آیند.

طبق گزارش بانک جهانی سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۸ سال های آغازین خصوصی سازی برای کشورهای درحال توسعه تلقی می شوند.»

دیار بوران

شماره جدید نشریه دانشجویی «باران نامه»؛ فصلنامه انجمن های اسلامی دانشجویان منطقه بریتانیا در مطلبی با عنوان «فلسورویست»، نوشته است: «در زمان های خیلی نزدیک سسرزمینی بود به اسم دیار دیرینیان که از دیرزمان ها در علم و فرهنگ و ادب زیانزد جهانیان بود. در این دیار دانشجویی بود بسیار فرهیخته، در علم و مقاله دادن به آماج و آمال عارفین رسیده. او تصمیم گرفت برای طلب علم به سسرزمین های دورتر برود تا در کوله بار خود علم

بیشتری جا کند و تا جا دارد در آن علم بپایاند؛ حتی چند کوله اضافی هم قرض کند. خلاصه خواست در فضایل و شمایل از همان اوایل در میان همه قبایل، لعبتی شود برای خودش؛ رختی و سمتی و میزی و مریدانی. تشنه علم و دانش له له زنان کمی آب معدنی نوشید و کم کم با دوستان و یاران خدا حافظی کرد و بری دیگر برنگردی ها بود که برایش خواندند و بار سفر بست و عازم شد. مقصدش سرزمین دوران بود که به علم و دانش روز معروف بود. در مسیر دوران از دو دیار بوران و گوران می گذشت و قصد داشت کمی سیاحت نیز در کنار کوله بارش جا دهد. هنگامی که قدم به دیار اول گذاشت و چندی به اطراف خود نگریست، بور مردمانی دید به غایت ملیح که جملگی اندک جامه هایشان را برعکس می پوشیدند. وی که تشنه یادگیری بود و می خواست هم رنگ جماعت شود، در اولین فرصت، جامه های دیرینانی اش را درید، قرانی از هزینه های تحصیلش را داد و موی خود بور کرد و طرحی نو (برعکس) در انداخت، طوری که دیگر مانند مسافری در دیار بوران نبود و بین مردمان همانند آفتاب پرستی ناپدید می شد. پس از استراحت، شادان و خندان از آموخته های خویش عزم حرکت نسوی دیار ثانی کرد. ابتدا خوراکی مفصلی از نان و ماست در شان دانشجویان کهنه کار بر خندق بلا فرو داد و لختی بعد سیاحت خویش شروع کرد. همچنان تشنه یادگیری بود، با جامه های جدیدش، آن چهره ملیحش، اطوار قبیحش؛ در شهر می چرخید. متوجه لهجه عجیب مردمان و طرز راه رفتن و آداب آنها شد و تصمیم گرفت تشنگی خویش را از فرهنگ گوران سیراب کند و به قولی در روم مانند رومیان باشد. هرآنچه داشت و قرانی بیش صرف کرد تا مانند گورانیان شود....»

ایده دانشگاه از نگاه کارل یاسپرس

شماره جدید نشریه دانشجویی «آرمان شهر»؛ نشریه انجمن دانشجویان آرمان دانشگاه علم و صنعت در مطلبی با عنوان «ایده دانشگاه»، درباره نگاه های موجود پیرامون اداره دانشگاه ها نوشته است: «کتاب «ایده دانشگاه» نوشته کارل یاسپرس، روانپزشک و فیلسوف اگزیستانسیالیست آلمانی با ترجمه روان مهدی و مهرداد پارسا، توسط نشر ققنوس به بازار کتاب عرضه شده که استقبال کتابخوان ها را نیز به همراه داشته است. یاسپرس از دانشگاه به عنوان محل گردهمایی پاسداران و دوستداران حقیقت سخن می گوید و به آن وسعت نظر و سعه صدری در ایده دانشگاه معتقد است که حتی می تواند مخالفان را نیز در درون خود پذیرا باشد، نه به این شرط که به رنگ جماعت غالب درآیند و دست از افکار خود بشویند بلکه تنها به این شرط که «مجال دهند عقایدشان به انگیزه ای برای تحقیق و پژوهش بدل شود». یاسپرس با ایده دکارتی «علم به منزله امری سودمند» موافق نیست، زیرا به نظر او «اولا فناوری فقط یک حوزه در قلمروی گسترده امکان های بشری است و ثانیا کشفیات بنیادین بزرگ با توجه به سودمندی عملی شان انجام نشده اند.»

یاسپرس دل نگران آن است که علم به بهای ناپایده انگاشتن فرآیندهای دانستن، به صرف بیان واقعیات، پیامدها و نتایج فروکاسته شود، زیرا گاه این نتایج، خود را به مثابه جزئیاتی غیرقابل نقد و هستی فی نفسه عیان می کنند؛ حال آنکه آنها باید تنها فرضیاتی آزمون پذیر تلقی شوند. نظرات یاسپرس گاه شباهتی قابل تامل با ایده های کانت دارد. او نیز نظیر کانت معتقد است پیش فرض علم باید آن باشد که ما خود را واگذاریم که از سوی ایده ها هدایت شویم... ایده ها و فرضیات، بر ساخته هایی کمکی هستند که باید دگر بار ناپدید شوند، زیرا به طور اجتناب ناپذیری متناهی و بنابرین نادرست هستند. اما بدون همین ایده هایی که هدایت مان می کنند، هیچ وحدت کانونی ای، هیچ چپتی، هیچ تمایزی میان همه و بی اهمیت، اساسی و سطحی، با معنا و بی معنا و انسجام و پراکندگی وجود نخواهند داشت. او در این کتاب دانشگاه را چنان محیطی ترسیم می کند که در آن انسان ها تلاش های روحی خود را برای دانستن صورتی عملی و نهاده ای می بخشند. تکاپو برای دانستن معرفی کلیدی برای دانشگاه است و نمی توان آن را به استقرار سازوکارهایی آموزشی تقلیل داد.»



خصوصی سازی و مصائب آن

شماره جدید نشریه دانشجویی «۳۷»؛ نشریه مستقل دانشگاه صنعتی کرمانشاه در مطلبی با عنوان «شکرتلخ هفت تپه»، پیرامون مشکلات اخیر کارگران و مساله خصوصی سازی نوشته است: «این روزها با بالا گرفتن اعتراضات کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه، توجه زیادی به خبرهای این کارخانه شده است. اما این کارگران از مدت ها قبل با مشکل عدم پرداخت حقوق معوقه شان، دست و پنجه نرم می کردند. کارگرانی که به خاطر پرداخت نشدن چندین و چند ماهه حقوق شان، آن هم در شرایط نابسامان اقتصادی دچار مشکلات فراوان شده و دیگر به ستوه آمده اند. افرادی که بیشترین زحمت را می کشند ولی کمترین حقوق را دریافت می کنند، درحالی که اکثر آنها سرپرست خانوارهایی هستند که تنها منبع درآمدشان اندک حقوقی است که از این کارخانه دریافت می کرده اند و اکنون همان نیز از آنان دریغ شده است. انگیزه اصلی شروع اعتراض های این کارگران نه سیاسی بود و نه امنیتی؛ بلکه تنها برای پیگیری پرداخت حقوق معوقه شان بوده است.



اما با بی توجهی مسئولان، این اعتراضات گسترده تر شد. کارخانه کشت و صنعت نیشکر هفت تپه ۱۸ آذر سال ۱۳۴۰ در نزدیکی شهر شوش دانیال در استان خوزستان تأسیس شد و قرار بود قطب کشاورزی علمی ایران باشد. در زمان تأسیس، این پروژه از چندان اهمیتی برخوردار بود که شخص شاه، نخست وزیر و وزیر کشاورزی وقت برای تأسیس آن به هفت تپه آمدند. نیشکر هفت تپه که یکی از بزرگ ترین کارخانه های صنعتی استان خوزستان است، از بدو تأسیس همواره روند نسبتاً روبه رشدی را طی کرده تا جایی که در سال ۱۳۸۱ این کارخانه توانسته با تولید صد هزار تن شکر سفید، رکوردی را در این زمینه ثبت کند. نحوه واگذاری کارخانه نیشکر هفت تپه به خوبی روند خصوصی سازی صنایع و کارخانه های بزرگ و کوچک را در کشور نشان می دهد؛ روندی غیر شفاف و کاملاً مبهم. روندی که به تنها دردی را درمان نمی کند بلکه به مشکلات می افزاید. دولت با واگذاری کارخانه هایی نظیر نیشکر هفت تپه و هیگوی اراک قصد داشت باری را از دوش خود بردارد اما در عمل آتشی را برافروخت که دودش ابتدا به چشم کارگران و سپس به چشم خودش فرو رفت.»

دیدگاه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره فضای مجازی

شماره جدید نشریه دانشجویی «دنیا»؛ نشریه علمی تخصصی و مطالعات جهان دانشگاه تهران مصاحبه ای با سیدرضا عالمی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ترتیب داده، در بخشی از این مصاحبه عالمی می گوید: «رویکرد آسبایی به فضای مجازی، اساساً رویکرد آسبایی به هستی است و این خلاف سنت الهی است. سنت الهی نگاه شرک گرایانه ای به هستی دارد. شکر یعنی چه؟ اینکه این همه در سنت الهی تأکید بر شکر می شود؟ شکر یعنی دیدن نعمت های زندگی. کسی که نعمت های زندگی را نمی بیند دچار مالیخولیا می شود. اینقدر ناامید پرورش پیدا می کند که همیشه هستی را از منظر نداشته ها نگاه می کند، نه از منظر داشته ها و وقتی کسی از منظر نداشته ها نگاه می کند همه چیز تبدیل به هیچ چیز می شود. فضای مجازی بخشی از نظام هستی است که خلاقیت انسان باعث شده فناوری به وجود بیاید و انسان بتواند یک



سطح دوم را تعریف کند که در این سطح دوم منطق عملکرد، منطق ریاضی است، منطق الگوریتمی است. من نگاه آسبیک گرا به فضای مجازی را موجب تبدیل شدن ظرفیت های آن به آسبیک می دانم. این فضا قطعاً آسیب دارد، همان گونه که جهان واقعی نیز آسیب دارد. در جهان واقعی هم انسان های پلید، هم محیط های پلید و هم رفتارهای پلید وجود دارند ولی آیا ما می گوییم که در این جهان نباید زندگی کنیم. چاره ای نداریم، باید در این جهان زندگی کنیم و قدرت تبدیل شر به خیر داشته باشیم؛ تبدیل فساد به صلاح را و تبدیل ظلم به عدالت را. ظلم و فساد را کاهش دهیم. ولی این فضای مجازی از یک لحاظ، خیلی قدرتمندتر از جهان واقعی است و آسیب هم در آن تراکم بیشتری دارد. به این دلیل که محیط مجازی محیطی است که یک اقدام به منزله همه اقدام هاست، وقتی کسی یک تصویر فاسد را در محیط مجازی می گذارد، دسترسی به آن، برای همه کاربران اینترنت فراهم می شود. درواقع این به منزله این است که چند میلیارد از یک پدیده تولید شده باشد. این تیراژ بالایی است. فرق می کند با نشریه ای که تیراژ آن پنج، ۱۰ یا ۱۰۰۰ عدد است. به مجرد اینکه پدیده ای وارد فضای مجازی شد، قابلیت در دسترس قرار گرفتن همگان را پیدا می کند.»

